

کیهان

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

معاوضه دو سکه هم‌وزن

(س) سکه بهار آزادی طرح قدیم با سکه بهار آزادی طرح جدید تفاوت قیمت دارد، در حالی که جنس و مقدار هر دو یکی است. آیا این اختلاف قیمت و دریافت مبلغی اضافی در موقع تعویض این دو نوع سکه، اشکال دارد؟

(ج) معاوضه موارد مذکور صحیح نیست؛ در معامله دو سکه هم‌وزن، گرفتن چیز اضافی ربا بوده و حرام است. مگر اینکه معاوضه مذکور در ضمن دو معامله انجام شود، مثلاً سکه بهار آزادی طرح جدید را به فلان مبلغ معین بخرد، سپس سکه بهار آزادی طرح قدیم را به فلان مبلغ معین بفروشد، که در این صورت کم و زیاد بودن مبالغ آنها اشکال ندارد.

بدقولی در ساخت و تعمیر

(س) حکم شرعی بدقولی سازنده یا تعمیرکار در بموقع ندادن جنس سفارش‌شده چیست؟ آیا موجب خیار فسخ برای مشتری می‌شود؟

(ج) اگر ضمن قرارداد زمان معینی برای انجام کار شرط شده است، در صورتی که سازنده یا تعمیرکار عمداً کار را در زمان مقرر انجام ندهد مرتکب گناه شده است و اگر سر موعد معین، توان تحویل‌دادن را ندارد، مشتری حق دارد یا قرارداد را فسخ کند و یا صبر نماید تا زمانی که سازنده یا تعمیرکار، آن را تحویل دهد.

استفاده از طلا، توسط پسر نابالغ

(س) آیا پسر می‌تواند قبل از بلوغ از طلا استفاده کند؟

(ج) اشکال ندارد.

مدال طلای ورزشکاران مرد

(س) مدال‌های طلا که ورزشکاران مرد به گردنشان می‌آویزند، چه حکمی دارد؟ آیا با آن حال می‌توانند نماز بخوانند؟

(ج) دریافت مدال طلا اشکال ندارد؛ ولی به گردن انداختن آن برای مردان جایز نیست و بنابر احتیاط واجب، باعث بطلان نماز می‌شود.

اطلاع به مشتری در تابلو

(س) اگر تعمیرکار طلا در تابلوی مغازه خود عبارتی به این صورت بنویسد: «قابل توجه مشتریان عزیز، چون در زمان تعمیر مقداری از طلا ریزش دارد لذا مشتریان حلال کنند» آیا رفع ضمان از تعمیرکار می‌کند؟

(ج) وجود تابلوی مذکور، رافع ضمان نیست.

شکستن طلا یا نگین در زمان تعمیر

(س) اگر هنگام تعمیر نگین یا طلا، به آن خسارتی وارد شود، آیا تعمیرکار ضامن خواهد بود؟

(ج) تعمیرکار ضامن است، هرچند دقت و احتیاط را در انجام کار مراعات کرده باشد.

حکم رهن کامل

(س) اجاره مغازه به صورت تمام رهن (بدون اجاره‌بها) از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

(ج) رهن کامل صحیح نیست؛ ولی اگر خانه یا مغازه به مبلغ متعارفی اجاره داده شود و در ضمن عقد اجاره، شرط شود که مستأجر مبلغی را به صاحب‌خانه یا مغازه قرض دهد، اشکال ندارد.

تصوره: رهن کامل یعنی مستأجر پولی را به عنوان قرض به مؤجر بدهد و در مقابل، از منفعت مغازه یا خانه (سکونت) استفاده کند و هیچ اجارهای را به مؤجر ندهد و خود پول چون قرض است بعد از تمام شدن مدت اجاره به صاحبش برگردانده شود که این همان ربای قرضی است و حرام است. یعنی در مقابل قرض، شرط اضافه شود، ولو اینکه آن چیز اضافه، منفعت باشد، (مثل سکونت خانه).

«بخوان»

هم خدا می‌گوید «بخوان» و هم تمدن جدید؛ اما این کجا و آن کجا! آقا! بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِیْ خَلَقَ(۱/۱)؛ بخوان ولی به نام پروردگارت، با کمک و استمداد از نام پروردگار آفریدگارت. این جمله همان روح فرهنگ اسلامی را نشان می‌دهد.

علم مجزا از ایمان، خواندن و نوشتن مجزا از ایمان، باسوادِی مجزا از ایمان، انسان را انسان نمی‌کند و به بشر انسانیت نمی‌دهد، بلکه ابزار به دست بشر – به هر شکلی که هست – می‌دهد. قرآن دم از علم و ایمان باهم می‌زند، نه ایمان منهای علم و نه علم منهای ایمان.

اسلام می‌گوید: «بخوان»، تمدن فرنگی هم می‌گوید «بخوان و بنویس»؛ تمدن فرنگی هم می‌گوید مبارزه با بی‌سوادِی، قرآن هم می‌گوید مبارزه با بی‌سوادِی. «فَرَأَ» یعنی مبارزه با بی‌سوادِی. اما قرآن می‌گوید: بخوان با نام پروردگارت؛ خواندن و دانستن را با معنویت و ایمان و اینکه همیشه همراه نام خدا باشد توأم می‌خواهد.

اسلام به فرهنگی که از ایمان جدا باشد معتقد نیست و تجربه نشان داد که چنین فرهنگی برای بشر کاری نمی‌کند؛ فرهنگ منفک از ایمان، «فَرَأَ» مجزا از «بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِیْ خَلَقَ» آن فرهنگی است که به کره ماه می‌روید و به همان حال بر سر انسان‌های بی‌گناهی در خانه‌های خودشان بمب می‌ریزد؛ یعنی انسانیت نیست.

«بخوان» جدا از ایمان، خواندن و نوشتن مجزا از ایمان، باسوادِی مجزا است و برای بشر وحشی‌گری ایجاد می‌کند؛ علم، وسیله ارضای جاهطلبی‌ها و شهوت‌رانی‌های بشر می‌شود.

روح فرهنگ اسلامی توأم‌بودن علم و ایمان است: وَقَالَ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِیمَانَ... (روم/۵۶). قرآن دم از علم و ایمان باهم می‌زند، نه ایمان منهای علم و نه علم منهای ایمان.
مسألهٔ روم چقدر خوب همین حقیقت را که قرآن کریم اقتباس کرده بیان می‌کند:

هر که او بی‌سر بجنبند دم بود/ جنبشش چون جنبش کژدم بود
علم و مال و منصب و جاه و قرآن/ فتنه اُرد در کف بدگهران
تبع دادن در کف زنگی مست/ به که افتد نمک ناکس را به دست
بزرگ‌ترین اشتباه امروز ما مسلمان‌ها همین است که دنبال علم منهای ایمان هستیم و می‌خواهیم از فرهنگی‌ها تقلید کنیم؛ یعنی وقتی می‌خواهیم علم را وارد کشور خودمان کنیم عذر ایمان را می‌خواهیم. می‌خواهیم از این در علم را وارد کنیم ولی از آن در دیگر، ایمان را بیرون ببریم. چه فرق می‌کند ما ایمان داشته باشیم و علم نداشته باشیم یا علم داشته باشیم و ایمان نداشته باشیم؟ به هر حال یک‌بوتری هستیم یک باله. انسان با دو بال پرواز کند: علم و ایمان.

استاد شهید مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۱۴، صص ۱۷–۱۶

هر جامعه‌ای براساس اهدافی شکل گرفته که از

آن به غایت و فلسفه وجودی یاد می‌شود. به این معنا که فلسفه وجودی اجتماع افراد از حتی اقوام و نژادهای گوناگون در قالب امت و ملت، هدفی است که این افراد می‌دانند که جز از راه اجتماع و دادوستدی در چارچوب قانون و مقررات امکان‌پذیر نیست؛ زیرا اگر بپایند آن هدف بدون اجتماع و حتی بدون جمع‌شدنیی است، به تنهایی زندگی و عمل می‌کردند اما وقتی درپایند که حتی جمع شدن بدون ارتباط اجتماعی و دادوستد در زمینه برآوردن نیازها نمی‌توان به آن هدف رسید، اجتماع انسانی را شکل می‌دهند که از خانواده تا امت را در برمی‌گیرد؛ زیرا خانواده کوچک‌ترین اجتماع بشری است که جمعی برای تأمین نیازهای خود گرد هم می‌آیند و دادوستدی را فراتر از اجتماعات معمولی یعنی در حوزه عواطف و احساسات انجام می‌دهند؛ چنان‌که امت، بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین جامعه‌ای است که بشریت را از اقوام و فرهنگ‌ها و زبان‌ها در سزمین و مناطق جغرافیایی گوناگون گرد هم می‌آورد تا یک هدف بلند و والا را تحقق بخشد.

هرچه مشترکات در میان اعضا و افراد تشکیل‌دهنده اجتماع و جامعه بیشتر و کلی‌تر باشد، به همان میزان قوت و اقتدار و دامنه فراگیری و مانند آنها نیز بیشتر و قوی‌تر خواهد شد و به میزان کاهش مشترکات، دامنه گسترگی، قوت و اقتدار و مانند آنها کاهش می‌یابد.

وحدت در عقیده، هدف و روش، عامل همدلی و هم‌زبانی
بزرگ‌ترین و قوی‌ترین امت‌ها و جامع بشری را کسانی شکل می‌دهند که از وحدت در عقیده، هدف و

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

اگر افسراد جامعه‌ای افزون بر وحدت عقیده و وحدت در هدف، از وحدت در روش نیز برخوردار باشند، بی‌هیچ اختلاف و دو دستی می‌توانند به هدف برسند و هزینه‌ای کمتر را بر خود و جامعه تحمیل کنند؛ زیرا وحدت در روش موجب اجتماع قوا و قدرت شده و افزایش سطح مشارکت به همان میزان موجب کاهش اصطکاک و هزینه و مانند آنها می‌شود.

غیب اعتقاد دارد و تنها علم هستی را در عالم شهود خلاصه و محدود نمی‌کند. این دو، نگاه متضاد معرفتی و شناخت متضاد را نیز به دنبال خواهد داشت. در نتیجه، تفسیر هر یک از جهان و هستی متفاوت و متضاد خواهد بود و در حوزه بینشی و نگرشی و باورها و عقاید نیز به تضاد و تقابل می‌انجامد. این‌گونه است که یکی در فلسفه زندگی به توجه به هستی شناختی محدود به ماده و حس، اصالت را به ماده بخشیده و در اندیشه سعادت در دنیا است و دیگری اصالت را به آخرت بخشیده و سعادت در دنیا را در راستای سعادت اخروی معنا می‌کند. از این‌رو می‌گویید: «پروردگار! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور نگدار.» (بقره، آیه ۲۰۱) از آنجا که فلسفه زندگی براساس معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی انسان شکل می‌گیرد، هر یک دو نگرش و هستی‌موجب می‌شود که باور و عقیده‌ای در انسان شکل گیرد که در تضاد کامل از یکدیگر است. از این‌رو، این دو نگرش هرگز در سبک زندگی و رفتارها باهم کنار نخواهند آمد؛ زیرا عقیده و باور یکسانی ندارند و نمی‌توانند در یک سبک و روش زندگی کنار هم باشند.

جوامع بشری برای اهدافی به وجود می‌آید که از مهم‌ترین آنها تأمین سعادت دنیوی در قالب امنیت و رفاه است، زیرا مهم‌ترین دغدغه انسان تأمین امنیت روحی و روانی و دستیابی به آرامش و تأمین رفاه و آسایش است(قریش، ۴: آیه نحل، آیه ۱۱۲) این دو، غایتی است که همه جوامع در اندیشه آن هستند، اما امت‌هایی که به آخرت باور دارند این سعادت را در راستای سعادت اخروی می‌خواهند و برای آنان سعادت یعنی آرامش و آسایش ابدی در آخرت اصالت و ارزش دارد و در اندیشه دستیابی و تأمین آن هستند، البته این بدان معنا نیست که آنان دنبال آسایش و آرامش دنیوی نباشند؛ بلکه در صورت تضاد وتقابل و تراحم در مقام عمل، تقدیم و ترجیح را به آخرت و سعادت ابدی می‌دهند و از همین رو در هنگام تراحم عملی، از خود انپار کرده و حتی جان را می‌دهند تا آخرتشان تأمین و سعادت اخروی تضمین شود؛ در هدف، موجب همدلی در افراد جامعه می‌شود؛ زیرا همه افراد همدل خواهان دستیابی به آن بوده و برای رسیدن به آن حرکت می‌کنند. اما اگر افراد جامعه هدف مشترک نداشته باشند، آن جامعه دچار اختلاف و دو دستگی خواهد شد؛ زیرا دست‌کم دو هدف

مرتضی خدایاری

از آنجا که گاه فعل را به قول نسبت می‌دهند؛ زیرا قول همان طوری که گفتار و زبان گویای باطن و عقیده است و از همین‌رو، در قرآن گاه مراد از قول همان عقیده است، همچنین زبان گویای هدف و روش است. از همین‌رو، آیات قرآن لفظ که همان قول است، به کل اعمال صادرشده از انسان نیز اطلاق می‌شود(ق، آیه ۱۸)؛ چنان‌که مراد از اکل تنها خوردن نیست، بلکه متعلق تصرفات در مال است. (نساء، آیات ۱۰ و ۲۹) پس اگر سخن از هم‌زبانی است، مراد هم‌زبانی در ادبیات فارسی و عربی و ترکی و انگلیسی نیست، هرچند که اگر این نیز تحقق یابد در تقویت همدلی و دستیابی آسان به هدف مؤثر است؛ اما آنچه مراد است، هم‌زبانی در فهم مشترک و ادبیات مشترک است، به طوری که وقتی واژه و اصطلاح آزادی به‌کار می‌رود، مراد یکسان باشد و یکی آن را به معنای آزادی اجتماعی و دیگری آزادی از هواهای نفس و حوزه اخلاقی معنا کنند و یا یکی آن را مترادف با بی‌مبالائی و آن دیگری مراعات در چارچوب قانونی معنا کنند؛ در حقیقت هم‌زبانی به معنای درک مشترک و فهم مشترک در اصطلاحات و واژگان و بحثی و سخنان و رفتاری است که در پیش می‌گیرند.
خلوند در آیه ۱۱۸ سوره بقره می‌فرماید: اذان‌داران گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید؟ یا رب! ما معجزاتی نمی‌آید؟^[*کسلی*] کسلی که پیش از این بودند نیز مثل همین گفته‌اند؛ آن‌ها می‌گفتند: دارها و افکارشان بهم می‌ماند ما نشانه‌های خود، خود ابرای گروهی که یقین دارند، نیک روشن گردانیدیم.» در این آیه به یقین تبیین شده است که چگونه همدلی در عقیده و هدف موجب می‌شود تا هم‌زبانی و مشابهت در قول پدید آید.به سخن دیگر، همدلی می‌یاست به هم‌زبانی نیز کشیده شود. بنابراین، این بتوان هم عقیده بودن و هم غایت بودن را در قالب هم‌زبانی در روش و گفتار و رویه نیز به اجرا آورد بسیار خوب و بلکه لازم است.

نقش خواص در ایجاد همدلی و هم‌زبانی
اساس ایات و روایات بسیار، وحدت در مراتب سه‌گانه موجب همدلی و هم‌زبانی افراد جامعه شده و این وحدت و همدلی و هم‌زبانی خود عامل بقای جامعه و پیشرفت خواهد شد. بنابراین، برای راهی از نابودی تحت فشار دشمن داخلی و خارجی و نیز دستیابی به پیشرفت و رسیدن به اهداف جامعه که همان سعادت دنیا و آخرت و آسایش و رفاه و آرامش و امنیت فراگیر و جامع است، باید همدلی و هم‌زبانی را در دستور کار دولت و مردم قرار دهیم؛ البته در این میان نقش رهبران فکری و فرهنگی و اجرایی جامعه نقش کلیدی است؛ از این‌رو در روایات آمده که از عالمان و حاکمان جامعه از اختلاف و درگیری دور باشند، جامعه نیز متأثر از آنان به همدلی و هم‌زبانی گرایش خواهد یافت. به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و حاکمان به هم حال، اگر خواص جامعه به سخن دیگر، نقش خواص بسیار نقش تأثیرگذار و مهم است. (صالح(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: اِنَّهُنَّ مِنْ النَّاسِ اِذَا صَلَّحُوا صَلَّحَ النَّاسُ، وَاِذَا فَسَدُوا فَسَدَ النَّاسُ. «الْعَلَمَاءُ وَالْاَئِمَّةُ»؛ دو گروه از مردم اگر درست شوند مردم نیز صالح خواهند شد؛ و اگر مردم را با وجودی که مردم نیز فاسد شوند، دانشمندان و ح